■ سال بیست و نهم ■ شماره ۸۱۲۰ ■ پنجشنبه ■ ۱۳ بهمن ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۸ | اذان مغرب ۱۷/۵۲ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۵ | اذان صبح فردا ۵/۳۷ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۳

سخن روز

پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم:
بعد از من، اعلم اُمت من علی بن ابی طالب(ع) است.
(کنزالعمال، ج۱۱، ص۶۱۴)

شاعران امروز به اندیشه و تفکر شاعرانه نرسیده‌اند

رضا اسماعیلی: در این روزها شعر اکثر شاعران لهجه توصیفی دارد یعنی در آن سطح از عاطفه و احساس متوقف ماندند و به لایه‌های درونی که اندیشه و تفکر شاعرانه است آنگونه که انتظار می‌رود، نرسیده‌اند. گاهی در شعر صرفاً به فرم توجه می‌شود و مخاطب با خواندن شعر متوجه می‌شود که شاعر حرف عمیقی برای گفتن ندارد. برگزاری کارگاه‌های آموزشی با دعوت از بزرگان ادب فارسی مانند بهاءالدین خرمشاهی یا سیروس شمیسا به‌عنوان مدرس یکی از اقدامات مهم و به نوعی سرمایه‌گذاری در حوزه شعر است. این افراد استادان دانشگاه هستند و تألیفاتی در این حوزه دارند. باید شعرهای شاعران جوان نقد شود و اگر این اتفاق‌ها بیفتد لایه‌های اندیشه شعرهای روزگار ما تقویت می‌شود و می‌توانیم به نقطه مطلوب برسیم.

بخشی از سخنان دبیر علمی هفدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر/ایرنا

تاریخ می‌گوید علی مولود کعبه است
مولود کعبه نه، بگو موعود کعبه است
او پیشتر از کعبه بوده نکته این است
پس کعبه مولود امیرالمؤمنین است

غلامرضا سازگار

نـــگاره

رضا بدرالسماء

مولود کعبه

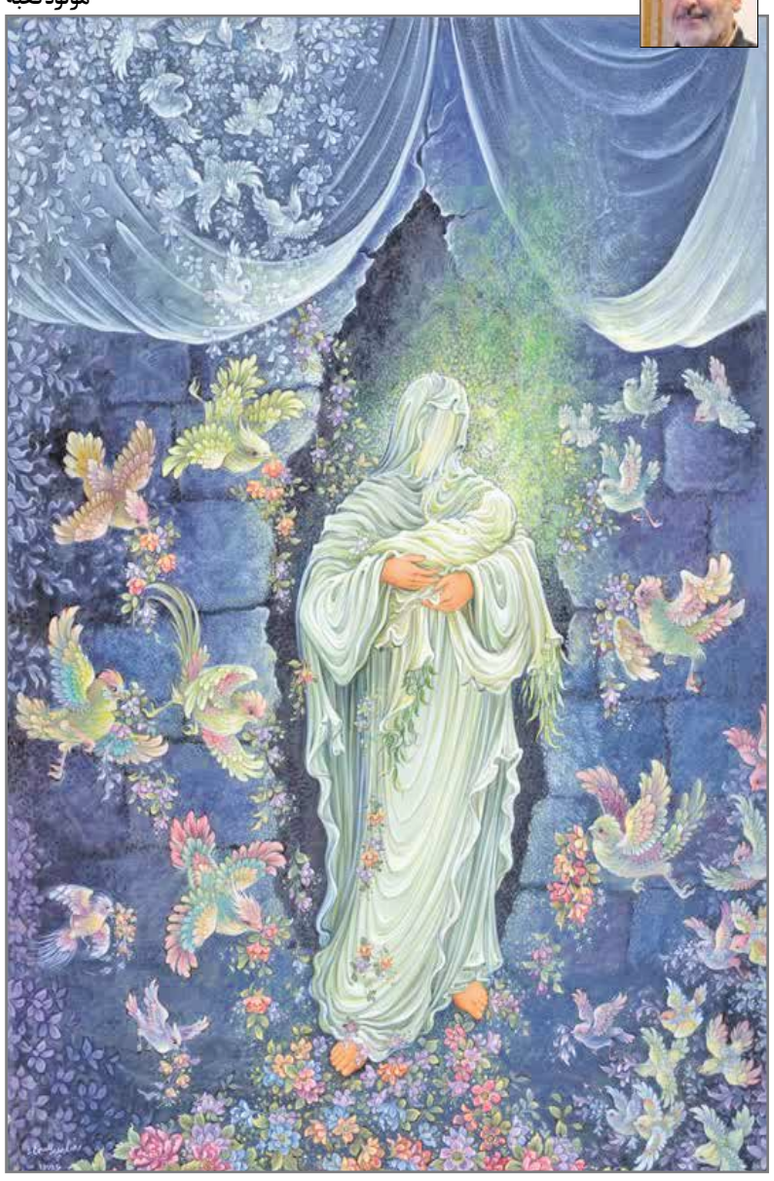

چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر پایان یافت

پایانی خوش برای یک جشنواره پروپیمان

گروه فرهنگی: چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به ایستگاه پایانی خود رسید و برگزیدگان خود را در بخش صحنه‌ای، خیابانی و بین‌الملل در اختتامیه شناخت. این جشنواره که از روز ۲۵ دی با اجرای نمایش‌های بخش رادیوتئاتر آغاز شده بود پس از ۱۵ روز رقابت حرفه‌ای میان آثار شرکت‌کننده، روز سه‌شنبه ۱۱ بهمن با اعلام برندگان رشته‌های مختلف در آیین اختتامیه پایان یافت. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین اختتامیه این جشنواره با ابراز خشنودی از احیای جشنواره تئاتر مناطق کشور گفت اهالی تئاتر امسال در جشنواره خوش درخشیدند. محمدمهدی اسماعیلی در بخشی از سخنانش با بیان اینکه حضور خیره کننده اهالی فرهنگ و هنر کشور در این دوره از جشنواره، اتفاقی دلگرم کننده به شمار می‌رود، گفت: در مناطق مختلف همچون کرمانشاه، شیراز، بوشهر و مازندران شاهد حضور خیره کننده اهالی فرهنگ و هنر در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر بودیم که امیدواریم این روند در سال‌های آتی با قدرت بیشتر ادامه یابد. او با تقدیر از حضور پررنگ گروه‌های نمایشی و علاقه مندان به تئاتر در این دوره از جشنواره گفت: اهالی تئاتر امسال در جشنواره خوش درخشیدند و شاهد حضور پررنگ گروه‌های هنری و علاقه‌مندان به تئاتر در استان‌های مختلف بودیم و همچنین در ایام برگزاری این جشنواره در تهران، سالن‌های مختلف سرشار از مخاطبان و علاقه مندان به تئاتر بود. وزیر فرهنگ ادامه داد: شعار عدالت فرهنگی از مهم‌ترین رویکردهای اصلی دولت مردمی است و تقویت آموزش‌های فرهنگی و هنری و شناسایی و حمایت از استعدادهای درخشان شهرستان‌ها از الزامات عدالت فرهنگی است که وزارت فرهنگ در دوره جدید بر این مسائل متمرکز شده است و با تغییر ریلی که آغاز شده تلاش خواهد کرد فضاهای فرهنگی و هنری را به‌صورت عادلانه در اختیار همه ایرانیان علاقه‌مند به حوزه فرهنگ و هنر قرار دهد. محمدمهدی اسماعیلی در پایان حضور و درخشش گسترده اهالی تئاتر شهرهای مختلف در جشنواره تئاتر فجر امسال را اتفاقی بزرگ در تاریخ تئاتر کشور برشمرد و گفت: تلاش خواهیم کرد در کنار اهالی تئاتر تمامی زیرساخت‌های لازم برای گسترش تئاتر در نقاط مختلف کشور را فراهم کنیم تا اهالی تئاتر هنرمندانه و با افتخار با امیدآفرینی از این ظرفیت‌ها برای اعتلای فرهنگ و هنر کشور استفاده کنند.

در میان آثار برگزیده، در بخش خیابانی جایزه اول کارگردانی به سعید بادینی برای نمایش «پلاسما» به‌عنوان اثر برگزیده با اهدای دیپلم افتخار و تندیس جشنواره تعلق گرفت و جایزه اول بازیگری مرد به بهنام کاوه برای نمایش «لیلی و مجنون» به‌عنوان اثر برگزیده با اهدای دیپلم افتخار و تندیس جشنواره تعلق گرفت.

در بخش نمایش‌های صحنه‌ای بازیگری مرد هم بدون اولویت‌بندی، جایزه به محمدامین محمدی، بازیگر نمایش «هاراگیری»، رضا محمدیان، بازیگر نمایش «پهلوان قلیچ»، امیر مهروند، بازیگر نمایش «آخرین نامه» تعلق گرفت و لوح تقدیر رتبه اول و جایزه نقدی به مبلغ ۵۰ میلیون ریالی با توجه به حضور پررنگ بانوان در این دوره از جشنواره بدون ترتیب اولویت به روشنک سه‌قلعگی بازیگر نمایش «مطرب آقا»، آرزو جعفری بازیگر نمایش «ساختمان رز»، شقایق فتحی بازیگر نمایش «روز دهم» و پریسا صدایی آذر بازیگر نمایش «سیمرغ» اهدا شد. عنوان بهترین نمایش بخش بین‌الملل هم به نمایش «امل» به کارگردانی جواد الاسدی از عراق تعلق گرفت که با دریافت ۱۵۰۰ دلار جایزه نقدی، تندیس جشنواره و لوح تقدیر به‌عنوان بهترین نمایش این بخش معرفی شد. در این بخش همچنین از ابراهیم پشت‌کوهی برای نمایش «مکبث زار» از ایران با اهدای ۱۰۰۰ دلار جایزه نقدی و لوح تقدیر قدردانی شد. در بخش کارگردانی تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ سیصد میلیون ریال جایزه نقدی به سیدمحمدهادی هاشم‌زاده برای کارگردانی نمایش «اسب قاتلین» اهدا شد.

راستی صحنه سینما و ادبیات مال کیست؟

یادداشت

نادر سهرابی
نویسنده

همه این حرف‌ها حول یک باور قدیمی به ما عرضه می‌شود؛ اینکه زمین بازی فیلم و سریال و رمان و ادبیات و در کل هنر، چیزی مرتبط با جبهه فکری است که شما در آن قرار گرفته‌اید. بر همین سبیل، اصولاً جبهه‌ای که به‌ظاهر آزادی‌خواه‌اند و با هر حکومت و دولتی که سر کار باشد زاویه‌ای دارند یا اگر نداشته باشند می‌سازند، صاحبان بلامنازع زمین بازی شده‌اند. هرکس که در این زمین بازی کند باید به تأیید آنها برسد؛ باید با آنها قیاس شود؛ آنها لطف کرده‌اند و زمین‌شان را برای بازی دیگران، به این طفلکی‌های بی‌پناه و آواره اجاره داده‌اند، وگرنه معلوم است که اهل این دیار و این کار و بار نیستند.

از کجا معلوم است؟ نه! واقعاً از کجا معلوم است. بیایید زود درباره این قماش مدعی آزادی‌خواهی و خلاقیت ناب هنری قضاوت نکنیم. انگار هنر در حاق خودش نسبتی با آزادی دارد و قوه خیال اساساً آنجا که آزاد و رهاست، می‌تواند خلاقیت هنری را به جوهره هنر که در قول ارسطو و ابن‌سینا و سایرین جز ابداع و خلق نیست برساند بله! راست است. هنرمند با جهانی که می‌سازد، آزادی خود و نوع خود را کشف می‌کند و از این طریق به زیستن، به آینده داشتن، امکان می‌دهد. اما جنس این آزادی چیست و چگونه می‌توانیم آن را در زیست هنری هنرمند جست‌وجو کنیم؟

صورتبندی دقیق ماجرا این است که این جماعت هوای رستن از قید و بندهایی را دارند که قانون داخلی ایران و البته چهارچوب‌هایی که اسلام برای رستگاری انسان تمهید کرده، برای آنها گذاشته. اشکالی ندارد، می‌شود آنها را به عنوان یک مخالف سیاسی پذیرفت و به رسمیت شناخت، اما آن آزادی‌ای که هنر را پدید می‌آورد، واقعاً این است؟ پس این همه هنرمند چپ و ایدئولوگ، این همه هنر مسیحی و اسلامی و غیره، این همه ماکسیم گورکی و جورج اورول و جان اشتاین بک و این همه فردوسی و حافظ از کجا سر برآورده‌اند؟

کاش گفتنش لازم نبود اما هنرمند در معنای کلاسیک خود، در پی تذکر

آزادی انسان از قوانین طبیعت است، نه قوانین مدنی و مذهبی. هنرمند خود انسان است که خداوند امکان این آزادی را در خلقت او نهاده و به خود آفرین گفته. البته اشکالی هم ندارد هنری که جوهره‌اش شوریدن علیه چنین قوانینی است. همیشه خدا این هم یک جورش بوده، اما هرگز اصل ماجرا نبوده.

انصراف این اعزه از جشنواره فجر ممکن است توی دل برخی جوان‌ترها را خالی کند که وای این زمین ما نیست و ما قواعدش را بلد نیستیم و حالا تنهایی چه کنیم و خودمان را با چه کسی بسنجیم و بازی خودمان را نزد چه کسی عرضه کنیم؟ نه آقا جان! اتفاقاً زمین ماست. این ادا اطوارهای آزادی‌خواهانه که در مدل پیراهن و شلوار و کنار گذاشتن شال و روسری خلاصه می‌شد، همه‌اش ژست بود. جوهر هنر، حتی هنرهای مدرن، حتی رمان و سینما، این ادا اصول‌ها نیست. این جوهر اتفاقاً در وارستگی از حوائج دنیا و حیوانیتی است که جهان سرمایه‌داری به شما عرضه کرده. درگوشی بگویم جهان سرمایه‌داری، جهان طبیعت است، جهانی که آدم‌هاش برای چندغاز سود بیشتر همه چیزشان را و وطن‌شان را می‌فروشند و می‌خورند و یک آب هم روش؛ جهان حیوانیت شیک و پیکی که شما ازش رسته‌اید؛ جهان فریب و کتمان و رژ لب!

لازمه هنر و لحظه خلق هنری، رقصی است که البته ایدئولوژی‌ها و قید و بندها را نادیده می‌گیرد و هرگز هم به آنها باز نمی‌گردد. اما در سرانجامین‌ترین اوج خودش اتفاقاً آنها را معنی می‌کند. این زمین، زمین ماست.

مخاطب انتزاعی

یادداشت

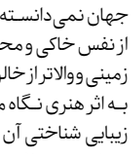

سعید فلاح‌فر
پژوهشگر هنر

باور این نکته شاید امروزه کمی دشوار باشد که آنچه به‌عنوان هنر هر روزگار شناخته می‌شود، در آغاز پدیده‌ای مستقل و تنها بوده است. به این معنی که حتی هنرمند هم در واقعیت مجزای از هنر تعریف می‌شده است. این رابطه را نباید با آنچه در هنر معاصر تحت نظریه «مرگ مؤلف» تعبیر می‌شود، اشتباه گرفت. در گذرگاه تاریخی هنر، همیشه این اثر هنری بوده که مورد نظر بوده یا تحسین و نقد می‌شده است. بخصوص در فرهنگ شرقی ایران، خالق اثر هنری گاهی حتی خود را فراتر از یک واسطه برای انتقال یک اثر هنری از ماوراء به جهان نمی‌دانسته است. هنر چنان فرازمینی فرض می‌شده که خلق آن از نفس خاکی و محدود انسانی برنمی‌آمد. چنین هنری مجزای از عالم زمینی و والاتر از خالق حقیر انسانی دیده می‌شد. چندان رایج نبود که وقتی به اثر هنری نگاه می‌کردند، برای فهم و درک آن یا برای دریافت اصول زیبایی شناختی آن به شخص هنرمند یا سایر آثار مشابه هنری او توجهی نشان دهند. اثر هنری خود به تنهایی بار همه این عوامل و عناصر را به دوش می‌کشید. بویژه چنین اثر هنری می‌توانست صاحب یک احساس و معنای ثابت و همیشگی باشد. احساس و معنایی که مستقل از زمان و مکان و فضا و مخاطب داشت و تغییر هیچ کدام از این جزئیات دلیلی برای تغییر جان‌مایه اثر نمی‌شد. بسیاری از آثار و بقایای باستان شناسی موجود در موزه‌ها که اصلی‌ترین منبع مطالعات تاریخ هنر محسوب می‌شوند، در زمان ساخت به‌عنوان اثر هنری خلق نشده‌اند. بسیاری دیگر از آثار هنری هم یا فاقد امضای هنرمندند یا با عباراتی مثل الاحقر و مانند آن امضا شده‌اند.

مواجهات امروزی ما با هنر معاصر چنان بدیهی می‌نماید که فرض چنین جایگاهی برای هنر برای مخاطب امروزی، دور از ذهن می‌نماید و شاید چنین نگاهی در مظان اتهام به طرح فرضیات انتزاعی قرار بگیرد. پس این سؤال پیش می‌آید که مگر هنر امروزی چگونه مشخصاتی دارد و چطور به چشم می‌آید؟

آنچه در حال حاضر توقع داریم، حداقل شامل سه وجه اصلی هنرمند، اثر هنری و مخاطب است. تفسیر و فهم هر اثر هنری می‌تواند منوط به شناخت و سوابق هنرمند و چگونگی برداشت و قرائت مخاطب از اثر باشد. اینکه هنرمند حائز چه نوع جهان بینی و تجارب هنری است، مستقیماً در سرنوشت اثر هنری مؤثر است. فارغ از الزامات تاریخی و تجاری، امضای هنرمند روی کار مرجع تحلیل و فهم اثر خواهد بود. مخاطب هم حقی در تکمیل بسته هنری خلق شده دارد. (جایی که مفهوم نظریه مرگ مؤلف قابل طرح خواهد بود و متفاوت از آن بحث اولیه است.) به عبارتی آن مفهوم ثابت اثر هنری در حضور مخاطب‌های مختلف دچار تغییر خواهد شد. پس از آن نوبت به ورود مؤثر منتقد هنری، فضا و شیوه ارائه خواهد رسید. منتقدین هنری ضلع چهارم بسته هنری را تشکیل می‌دهند و می‌توانند با تبیین نکاتی از اثر یا ویژگی‌های هنری هنرمند بیانی روان‌تر و عمیق‌تر برای مخاطب ارائه کنند و حتی به تولید و بازتولید مفاهیمی افزوده کمک کنند. مجموعه عوامل نمایش و عرضه اثر هنری هم یکی از مشخصه‌های سرنوشت ساز برای معنای هنر خواهد بود. مشهورترین مثال شاید همان «چشمه» اثر مارسل دوشان باشد. شیئی که در فروشگاه تأسیسات ساختمانی یک سنگ توالت بود و در موزه Tate قرائت هنری پیدا کرد. در مراتب پایین‌تر هم این اختلاف در تفسیر و معنای آثار هنری وجود دارد. قطعاً تأثیر و معنای هنری یک تابلو نقاشی روی دیوار یک کافه عمومی با نمایش همان اثر در یک رویداد هنری جهانی ثابت نیست. علاوه بر تفاوت‌های ارزشی و مقامی، عناصری مثل نورپردازی، موسیقی، پذیرایی و... هم می‌تواند تأثیرات بسزایی داشته باشد.

یکی از عوامل مؤثر بر معناپذیری و تأثیرگذاری اثر هنری را می‌توان تحت عنوان عوامل بیرون از ارزش‌های هنری بررسی کرد. مشخص‌ترین این عوامل رفتارهای تجاری و اقتصادی با یک اثر هنری است. بدیهی است به‌عنوان مثال یک خرید و فروش پرسر و صدا و با ارقام بالا می‌تواند مخاطب و حتی منتقدین کارکشته را به شدت علاقه‌مند نماید. یک اثر گرانقیمت ممکن است از نظر هر کسی، فاخرتر و پرمعناتر و حتی زیباتر به نظر برسد. سایر شگردهای برندسازی و ایجاد شهرت هم ممکن است با همین سازکار به ارزش‌های هنری ورود کنند. اما آنچه مسلم است، شناور بودن چیزی است که پیشتر یک اثر هنری ثابت و مطلق شناخته می‌شد.

شهرام ناظری باردیگر برای وطن خواند

نداسیجانی/ تازه ترین اثراستاد شهرام ناظری با عنوان قطعه «وطنم ایران» به آهنگسازی پویا سرایی و با شعری از سمیرا عاطفی منتشر شد.

این آهنگساز در صفحه مجازی اش در شرح این قطعه نوشته است: «تقدیم به پیشگاه ایران و ایرانیان که لایق بهترین هایند.»

پویا سرایی که تجربه همکاری با هنرمندان نام آشنایی چون علیرضا قربانی و همایون شجریان را داشته است درباره این اثر به «ایران» گفت: «قطعه «وطنم ایران» را ازمدت‌ها قبل آماده کرده بودیم و با توجه به شرایط امروز جامعه تصمیم گرفتیم منتشر شود که امیدوارم مورد توجه و پسند مردم و مخاطبان موسیقی قرار بگیرد.

او در ادامه افزود:« قطعه « وطنم ایران» را به امید وحدت و همدلی در بین مردم کشورمان منتشر کردیم چرا که شرایط امروز جامعه به گونه ای است که باید بیشتر در کنار هم باشیم و کمک کنیم این وحدت و انسجام در بین مردم عزیزمان بیشتر حفظ شود. این روزها کلمه وطن بیشتر مورد اهمیت بوده و تلاش کردیم در این اثر بسیار مورد توجه قرار بگیرد و در شعر و موسیقی آن تجلی پیدا کند. در خصوص انتخاب خواننده هم باید بگویم استاد ناظری از جمله هنرمندانی هستند که همیشه عرق به وطن داشته ودارند و آثار مانا و ماندگار بسیاری در این زمینه خوانده اند بنابراین پس از صحبت با استاد، با خرسندی این همکاری را پذیرفتند تا اثری را در فضای ملتهب این روزهای جامعه بخوانند و منتشر کنند. البته این همکاری افتخار بزرگی برای ما بود بویژه آنکه استاد ناظری به لحاظ جسمی بیمار بودند و در شرایط سختی این کار را قبول کردند و لطف بزرگی به ما داشتند. پویا سرایی قرار است دو تصنیف با شعری از سمیرا عاطفی و با صدای علیرضا قربانی، در قالب کنسرت اجرا کند. زکریا یوسفی (سازهای کوبه‌ای)، ماکان خوی نژاد (ویولنسل یک و دو، پویا سرایی (سنتور یک و دو) از نوازندگان این اثر هستند.

فضای مجازی

با پایان چهل‌ویکمین جشنواره تئاتر فجر حالا تمام نگاه‌ها به عرصه سینما و جشنواره فیلم فجر معطوف شده و خبرها بیشتر سینمایی است اما ما در ادامه خبرهایی می‌خوانیم از حوزه‌های دیگر تا بخشی دیگر از اخبار را هم از دست ندهیم.

■ **فقدان**

مراسم تشییع پیکر مسعود سپهر- هنرمند باسابقه عرصه گرافیک کشورمان- صبح دیروز از مقابل خانه هنرمندان ایران برگزار شد. در این مراسم خانواده و نزدیکان مسعود سپهر به همراه جمعی از همکاران و دانشجویان او از جمله ابراهیم حقیقی، ساعد مشکی، بهرام کلهرنیا، ایرج میرزاعلیخانی و ... حضور داشتند که اغلبشان برای لحظاتی به بیان ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای مسعود سپهر پرداختند.

■ **موسیقی**

سینا ذکایی- از نوازندگان شناخته شده سازهای بادی- در ویدیویی از برگزاری دورهمی به منظور کمک به زلزله‌زدگان خوی خبر داد و اینکه قرار است به همین منظور در این دورهمی بنوازد. به گفته این هنرمند، این مراسم قرار است ساعت ۹ پنجشنبه- ۱۳ بهمن ماه- در مؤسسه هیلاج برگزار شود. ذکایی در ویدیوی منتشر شده بیان کرده است: متأسفانه چند روزی هست که هم‌میهنان عزیزمان در شهرستان خوی درگیر مسأله زلزله و بعد از زلزله هستند. متأسفانه من کاری از دستم برنمی‌آید جز کاری که بلد هستم. به همین مناسبت فردا در مؤسسه هیلاج واقع در خیابان ایرانشهر ساز می‌زنم و از شما خواهش می‌کنم بیایید و هرکس به اندازه‌ای که دوست دارد، به‌صورت مالی و غیرمالی اعم از پتو، چادر و چیزهایی که در این هوای فوق‌العاده سرد به درد آنها می‌خورد، کمک کند.

■ **جهان نشر و کتاب**

انتشارات امیرکبیر اعلام کرده که کتاب «سه‌حکیم مسلمان» نوشته سیدحسین نصر به چاپ سیزدهم رسیده است. این کتاب متن پیاده‌شده سخنرانی‌های سیدحسین نصر در مرکز تحقیقات در ادیان جهانی است. او در ابتدا بنا نداشت این سخنرانی‌ها را چاپ کند اما مستمعان اصرار کردند و خواستند متن سخنرانی‌ها به‌صورت مکتوب در اختیارشان قرار گیرد.

جستارهایی پیرامون آیین نشر

نشر و زیرساخت

کلمه

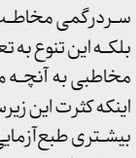

حاتم ابتسام
پژوهشگر حوزه نشر

برای حضور ناشر در محیط فرهنگی یک کشور زیرساخت‌هایی سخت و نرمی نیاز است که به لطف دورانی که در آن زندگی می‌کنیم، به فراوانی در دسترس هستند. زیرساخت‌های نرمی همچون سواد عمومی مخاطبان برای خواندن کتاب‌ها، کیفیت نسبی نویسندگان، قوانین بالادستی و ارگان‌های نظارتی مالی و محتوایی؛ و زیرساخت‌های سخت همچون فرایند تولید صنعتی کاغذ، چاپخانه‌های پیشرفته و ملزومات چاپ مثل رنگ و چسب و نخ تا ساختارهای توزیع از پخش و فروش. بدیهی است هرچقدر کیفیت و کمیت این زیرساخت‌ها در ساختار کشوری بیشتر باشد، نشر زودتر پا می‌گیرد و بهتر رشد می‌کند.

با این همه خود نشر زیرساخت فرهنگی کشور محسوب می‌شود و هرچقدر کیفیت و کمیت این زیرساخت بیشتر باشد، آورده‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیشتری نصیب کشور می‌کند. مثل زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ارتباطات دیجیتالی که هرچقدر متنوع‌تر و دردسترس‌تر باشد، توسعه‌یافتگی بیشتری رخ می‌دهد، نشر نیز در جایگاه زیرساخت فرهنگی می‌تواند در توسعه فرهنگ و اقتصاد حول آن نقش‌آفرینی پررنگ‌تری داشته باشد؛ از اشتغالزایی تا فرهنگ‌سازی.

نشر همزمانی که آورده‌های علمی و معرفتی و سرگرم‌کننده دارد، بر اقتصاد و فرهنگ نیز اثر می‌گذارد و با اینکه اساساً تولیدکننده علم و معرفت نیست و منتشرکننده آن است، با انتخاب‌هایش برای چاپ و ترویج شاخه‌ها و موضوعات خاص وزن تعیین‌کننده‌ای در هدایت فرهنگی جامعه دارد. ناشر است که به آتش نوع خاصی از جامعه‌شناسی یا ژانر تازه‌ای در ادبیات داستانی می‌دمد و محیط فرهنگی کشور را با آن گرم و سرگرم می‌کند.

هرچه نشر، این زیرساخت فرهنگی کشور، متنوع‌تر باشد، نقش‌آفرینی علوم و ادبیات هم پررنگ‌تر می‌شود و اینگونه نیست که فکر کنیم زیادت ناشران و تنوع کاری ایشان به سردرگمی مخاطب یا چندپارگی موضوعات می‌انجامد؛ بلکه این تنوع به تعادل در تقسیم محتوا کمک می‌کند و هر مخاطبی به آنچه می‌خواهد، بهتر دسترسی می‌یابد. ضمن اینکه کثرت این زیرساخت باعث می‌شود نویسندگان با تنوع بیشتری طبع‌آزمایی کنند و جای کسی تنگ هم نشود؛ با این رونق و تکثر و تنوع هم آدم‌های زیادی در این صنعت نان می‌خورند.

بعد از این اصرار بر زیرساخت «خواستن» نشر و زیرساخت «بودن» آن، دو پرسش اساسی محل توجه است. دو پرسشی که بیشتر برای آنانی مهم است که می‌خواهند بدانند نشر چگونه رشد می‌کند و چگونه به توسعه فرهنگ کمک می‌کند؟

آن دو پرسش این است:

۱. مهم‌ترین و ضروری‌ترین زیرساخت نشر کدام است؟

۲. کدام نشرها زیرساخت فرهنگی محسوب می‌شوند؟

■ **ضروری‌ترین زیرساخت نشر کدام است؟**

زیرساخت‌های نشر ثابت نیستند و بنا به تغییرات اجتماعی و اقتصادی هر دوره متفاوت‌اند. همان‌طور که در دورانی کاغذی نبوده که کتابی باشد یا زمانی چاپ انبوهی نبوده که نشری باشد، تا همین چند دهه پیش هم مخاطب باسواد در ایران کمتر بود و از همین رو ناشران محدوده عمل کافی نداشتند و زیرساخت مخاطب وجود نداشته است. این روزها هم تأمین کاغذ، زیرساخت اساسی نشر، با نوسانات ارزی به مشکل خورده و می‌خورد. پس شرایط اقتصادی اجتماعی در جایابی اهمیت زیرساخت‌های نشر اهمیت دارد. با این همه به‌زعم این قلم آنچه اساسی‌ترین زیرساخت نشر است، «نویسنده» است؛ نویسنده مهم‌ترین آورده نشر را تأمین می‌کند و به فرایند نشر معنا و مایه می‌دهد. بدون نویسنده همه این زیرساخت‌ها همچنان فعال خواهند بود، ولی فاقد معنا و مفهومی می‌شوند که نشر در پی منتشرساختن آن است. نویسنده که نباشد همه این فرایند می‌شود سیاه‌کردن کاغذها در چاپخانه‌های مجهز! البته همین روزها هم بسیاری از به‌اصطلاح ناشران بر همین راه می‌تازند و فضیلتی به چاپخانه‌های زیرپله‌ای ندارند. با این همه اهمیت، نه نهادهای دولتی کشف و پرورش نویسنده را درست گردن می‌گیرند، نه خود ناشران! دست‌بالا ناشران خیلی لطف کنند، کتاب‌هایشان را چاپ می‌کنند و آنها را رها می‌کنند و دولت‌ها هم خیلی به خودشان زحمت بدهند، بالای سن صف بکشند و بهشان جایزه و تقدیرنامه تقدیم کنند. از این اهمال دسته‌جمعی در زیرساخت مهم نشر که بگذریم به نظر می‌رسد بهتر همان است که نهادهای دولتی و حکومتی روی تهیه و بهبود زیرساخت‌های نشر متمرکز باشند و سپس از محصول نشر باید به‌عنوان زیرساخت فرهنگی کشور بهره ببرند.

■ **کدام نشرها زیرساخت فرهنگی محسوب می‌شوند؟**

برای پاسخ به این پرسش باید مقدمه‌ای روشن شود. اینکه بالاترین و بهترین سطح خدمتی که یک زیرساخت می‌تواند بدهد چیست؟

زیرساخت مهیا می‌شود و روی آن هزینه‌های کلان می‌شود که روی بستر آن دستاوردهای بیشتر و گسترده‌تری در اختیار مردم قرار بگیرد و اصلاً زیرساخت‌ها را می‌سازند که خدمت‌رسانی را تسهیل و نیازی از جامعه را برطرف کنند.

از آنجا که هنوز توقع و تصور روشنی از نشر و کارکردهای آن در جامعه وجود ندارد، نمی‌شود سرراست و مصداقی به خدمتی که نشر می‌کند اشاره کرد؛ شاید بشود گفت آگاهی‌بخشی و سرگرمی! و اینگونه گفت: نشری که بیشتر آگاه کند و بهتر سرگرم کند، زیرساخت فرهنگی بهتری برای کشور به‌شمار می‌آید. اما موضوع به همین جا ختم نمی‌شود و نشری که بتوان آن را زیرساخت نامید، کنش و واکنشی فراتر از این محدوده‌ها دارد.

در یادداشت بعدی به همین موضوع می‌پردازیم.